

به نام خدا



ایستاده پای

جلد دوم



۱	مقدمه
۳	پیش گفتار به قلم سید پدیده فروش پور
۹	بخش نخست، شهدای جنگ جهانی دوم
۱۳	(۱) مهربان کیخسرو افشاری علی آبادی
۱۹	(۲) جانباخته رستم اردشیر سادی
۲۳	بخش دوم، جانبازان جنگ مهاباد
۲۹	(۱) جانباز سرگرد شهریار بخردنیا
۴۹	(۱) جانباز مهندس کورش آذرگشاسبی - ۱۳۴۳
۶۳	(۲) جانباز پرویز ایزدی کلانتری (- ۱۳۴۱ ...)
۷۹	(۳) جانباز بیژن پشوتن - ۱۳۴۵
۸۷	(۴) جانباز دکتر سهراب جمشیدی - ۱۳۲۰
۱۰۵	(۵) جانباز برزو رستمی عصرآبادی - ۱۳۴۴
۱۱۵	(۶) جانباز شهرام شهرامی - ۱۳۴۱

به نام اهورامزدا

چو ایران نباشد تن من مباد
در این بوم و برزنده یک تن مباد

شایدان و جان بازان از افتخارات این کشور هستند چراکه با جان فشانی و فداکاری خود صلح و امنیت را به سرزمین ایران بازگردانیدند. تمامیت ارضی ایران با شجاعت و از خودگذشتگی حفظ کردند. هنگامی که رژیم عراق به میهن «دوران» ما تیرش آورد، جوانان زرتشتی نیز دوش به دوش برادران ایرانی خود؛ از همه قهرمانان، فرهنگ ها و باورها به جبهه های جنگ اعزام شدند. این دلیران با نشان دادن لیاقت و شایستگی توانستند وظیفه خود را نسبت به ایران عزیز انجام دهند.

جلد اول کتاب «به یاد سرو ایستاده» زندگی نامه جان باختگان، جان بازان و آزادگان زرتشتی است که همراه با دیگر همزمان خود با شجاعت و فداکاری توانستند خاک ایران را از گزند دشمن نگه دارند. کتابی که در دست دارید، جلد دوم همان کتاب است و سرگذشت سالها شوران و جان بازان زرتشتی را دنبال می کند. سرگذشت کسانی است که هر چند صدمه زیادی از این جنگ ویرانگر بر جسم و روح آنها وارد شد و سالهاست با پیامدهای آن دست به گریبانند ولی با پذیرفتن مسوولیت بزرگ خود در دفاع از میهن و با وجود از دست دادن سلامتی خود هیچگونه ادعایی ندارند.

جلد اول کتاب ناتمام می ماند اگر نام و خاطره این عزیزان را در جلد دوم کتاب به عنوان سندی تاریخی نمی آوردیم. خوشبختانه با جستجوی بسیار و یاری دوستان توانستیم نام ۶ تن از آن ها را بیابیم. با خودشان و خانواده های شان گفتگو داشتیم. چه غم انگیز بود شنیدن خاطرات جان بازان شیمیایی و موجی که گاز خردل و موج انفجار چه صدمه های جبران ناپذیر بر جسم و روح این عزیزان گذاشته بود. مادران و همسرانی که صمیمانه و با از خودگذشتگی، تمام وقت خود را صرف مواظبت و نگرانی از این عزیزان کرده و می کنند و فرزندانی که تنها با درس خواندن، درد و رنجوری پدر را و فداکاری مادر را تحمل کرده و با پیشرفت خوب باعث خشنودی و افتخار آن ها می شوند. شنیدن درد دل همسر یکی از جان بازان به ما گوشزد می کند که اگر فداکاری این عزیزان در دفاع از میهن و حفظ خاک و امنیت این کشور نبود ما اکنون در چه وضعیتی قرار داشتیم. اوستی بیست و سه سال است که با همسر جان بازم زندگی می کنم. شادمانی ها و محدودیت هایش هستم. هیچ وقت ندیدم که شکایتی داشته باشد. تنها با دیدن صحنه های جنگ از تلویزیون، با به یاد آوردن خاطرات هم رزم هایش ناراحت می شود. سپاسگزار است از این که عضو کوچکی از خیل جوانان با برکف که با هم توانستند میهن را از دست دشمن برهانند. همیشه دایم این است که هرگز جنگی نباشد و صلح و امنیت حاکم باشد. و می گوید اگر روزی با قلدری چشم طمع به مملکت ما داشته باشد تا جایی که توان در دفاع از این میهن خواهد کوشید.

بی گمان کتاب جلد دوم «یاد سرو ایستاده» کامل نبود اگر یادی از شهیدان از یادرفته جنگ جهانی دوم و جان بازان جنگ ایران با تجزیه طلبان نکرده نمی شد.

جا دارد از آقای کیخسرو مهبد و خانواده‌های محترم مهر خداوندی، افشاری و خانم شهین بخردنیا سپاسگزاری کنم. با همکاری آن‌ها توانستیم نام و یاد دلیران مان را از زیر گردوغبار تاریخ بیرون آوریم. شکی نیست که شمار بیشتری از جوانان زرتشتی در آن جنگ‌ها شرکت داشته‌اند. اکنون با گذشت زمان و درگذشت پدر و مادر و نزدیکان شان و نیز نداشتن منابع معتبر از آن دوره، تنها می‌توانیم آن‌ها را شهدای گمنام زرتشتی بنامیم و یادشان را گرامی بداریم.

، همچنین با سپاس از یار و همراهم نخستین دخت فرهادی.

پروین بامسیان

www.ketab.ir